

نقد و بررسی سیاستگذاری آرمان‌های اجتماعی آموزش و پرورش کشور براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

فاطمه مرادی^۱، جهانبخش رحمانی^{۲*}، محمد رضا شمشیری^۳

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲- استادیار، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۳- استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی سیاستگذاری آرمانهای اجتماعی آموزش و پرورش کشور براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به روش کتابخانه‌ای- تفسیری انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، سیاهه محقق ساخته یادداشت برداری، از سند تحول بنیادین و دیدگاههای انتقادی و توصیفهای مطروحه از این سند است. نتایج نشان داد که سیاست‌های آموزش و پرورش براساس این سند شامل تکیه بر آموزه‌های بنیادی اسلام و سازگاری با آنها، استفاده از آخرین یافته‌های علمی، ملاحظه واقع‌گرایانه ظرفیت‌های موجود، بهره‌مندی از تجارب کشورهای موفق، نقش آفرینی دولت و ملت در آموزش، تربیت فردی و اجتماعی، تربیت یکپارچه است. نقاط قوت طرح شامل هماهنگی و همسویی عوامل متعدد تربیت، دخیل نمودن نقشه رسانه‌ها در تربیت است و نقاط ضعف این طرح، بی‌توجهی به اجرای زیر نظامهای

سند تحول، دید غیرواقعی گرایانه به عدالت تربیتی، نگاه خوش بینانه در بیان راهکارهای تربیتی است.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری آموزش و پرورش، آرمانهای اجتماعی «سند تحول بنیادین»، نقاط قوت و ضعف

مقدمه و بیان مساله

عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه‌کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. بدون شک گام برداشتن در مسیر آرمانهای اجتماعی هر ملت و فرهنگی نیازمند آموزش و پرورش پویا و هدفمند برای ریشه دواندن نهال‌های تشنه دانش آموزان در زمین علم و دانش است. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. (فرهی، ۱۳۹۳). بررسی تحول بنیادین در آموزش و پرورش از سال ۱۳۸۱ شروع شد و مطالعات مقدماتی آن طی ۱۰ سال انجام گرفت تا در نهایت منجر به طرحی شد که در اواخر سال ۸۹ و شش ماهه اول سال ۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و جنبه قانونی به خود گرفت و سند تحول بنیادین نظام آموزشی نامیده شد. از سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش به مثابه نقشه راهی برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی در اجتماع ایرانی و اسلامی مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان و تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی - ایرانی تعبیر شده است؛ قرار است اجرای این سند منجر به "کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقاء فزاینده جایگاه تعلیم و تربیت

ایران در سطح جهانی " شود. (سند تحول، ۱۳۹۰) اینک با این اهداف آرمانی و در برخی مواقع غیر قابل فهم، در حال تلاش برای رسیدن نقطه آرمانی هستیم. اکنون که هشت سال از اجرا در آمدن این طرح گذشته است، نقدهایی بر آن وارد شده است که نشان از کاستی‌ها و مغفول ماندن برخی یا اکثریتی از اهداف علم‌یاتی است که بدانها پرداخته نشده است و با الگو در آوردن این سند برای تعلیم و تربیت کشور جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های آموزش و پرورش تدوین و ابلاغ شده اند که در این نوشتار سعی در برشمردن و نقد آنها براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شده است.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه کتابخانه ای - اسنادی سعی در بررسی سند تحول بنیادین و نقدهای مطروحه حول این سند است که از طرفی دیگر می‌تواند پژوهشی تفسیری - تبیینی باشد. ابزار گردآوری داده‌ها، سیاهه محقق ساخته تحلیل محتوا بود. محیط پژوهش هم شامل خود سند تحول بنیادین، مبانی نظری این سند و نوشتارهای نقد گونه و مقالات چاپ شده در این خصوص بود.

یافته‌های پژوهش

در ادامه به بررسی اهم سیاست‌های آموزشی کشور براساس سند تحول بنیادین پرداخته و در پایان به نقاط قوت و ضعف آن، پرداخته خواهد شد.

- اهم سیاستگذاری‌های آموزشی کشور بر اساس آرمان اجتماعی

ترسیم مرزهای نظام آموزش و پرورش در یک کشور با توجه به فلسفه وجودی آن نظام و کارکردهای مورد انتظار از آن، صورت می‌پذیرد. اگر گزاره زگهواره تا گور دانش بجوی را در نظر بگیریم و کارکرد نظام آموزش و پرورش یک کشور را فراهم کردن زمینه‌های چنین امری بدانیم، آنگاه نظام آموزش و پرورش، نظامی گسترده و فراگیر خواهد بود و دستگاه‌های زیادی را در بر می‌گیرد. یک بار نیز ممکن است نظام آموزش و پرورش را محدود به تأمین

آموزش و پرورش لازم در یک مقطع زندگی افراد جامعه و در موضوع آموزش‌هایی خاص سازمان و این نظام معادل یک دستگاه و وزارتخانه گرفته شود. نظام یا سیستم مجموعه‌ای از اجزاء و اعضا است که در تعامل با یکدیگرند. هر یک دارای هدف و کارکرد مشخص بوده ولی در کل در پی تأمین هدف کل سیستم و نظام می‌باشند.

در مجموعه این اجزاء و اعضا سیستم، یکی از اعضا یا زیر سیستم‌ها، زیر سیستم اصلی بوده که دیگر زیر سیستم‌ها بر محور آن، مهندسی و ساماندهی می‌شوند. کارکرد اصلی نظام با کارکرد زیر سیستم محور کاملاً پیوند خورده و همگونی زیاد دارد. در حقیقت زیر سیستم محوری، قلب نظام یا سیستم است. سلامت و کارکرد مناسب آن، لازمه سلامت و کارکرد مناسب دیگر زیر سیستم‌ها خواهد بود. نظام آموزش و پرورش را نمی‌توان محدود به یک دستگاه و وزارتخانه دانست. حتی اعتبار کردن نظام آموزش و پرورش به یک وزارتخانه با همین عنوان، قرین صحت نبوده و ابهام‌زایی می‌کند.

۱- تکیه بر آموزه‌های بنیادی اسلام و سازگاری با آن‌ها

در تدوین سند کوشش بر آن بوده است تا مفاد آن علی‌الاصول بر آموزه‌های بنیادی اسلام استوار و یا با آن‌ها سازگار باشد. این تلاش در جریان طراحی و انجام مطالعات نظری (محورهای سوم و چهارم ناظر به تدوین الگوهای نظری ساحت‌ها و زیر نظام‌ها) با ارایه چهارچوب فلسفی دینی (برگرفته از مبانی اسلامی) بد محققان و همچنین برگزاری جلسات و نشست‌های متعدد بین محققان برای استماع و بررسی گزارش یافته‌های پژوهش «فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در اسلام، صورت گرفته است. همچنین نتایج این پژوهش‌ها (یعنی الگوهای نظری تدوین شده) علاوه بر بررسی توسط ناظران، در جلسات کمیته تدوین رهنامه و کارگروه تدوین با توجه به ملاک‌های متعدد از جمله تناسب مفروضات و محتوا با تعالیم اسلامی مورد بررسی و نقد و بازبینی و اصلاح واقع شده است. افزون بر این، در فرآیند تلفیق نتایج پژوهش‌های تشریحی، از یافته‌های ارزشمند مطالعه تدوین بنیادهای فلسفی و دینی سند ملی آموزش و پرورش و سایر منابع معتبر اسلامی نیز استفاده شده است (آقای، ۱۳۸۶).

۲- استفاده از آخرین یافته‌های علمی

تمامی تحقیقات انجام شده در محورهای سوم و چهارم مطالعات نظری، طبق روش شناسی مصوب می‌بایست بر یافته‌های جدید هریک از حوزه‌ها توجه داشته باشند. همچنین در چهارچوب مطالعات سند ملی آموزش و پرورش، گزارش نتایج مطالعه « بنیان‌های روانشناختی سند ملی آموزش و پرورش و گزارش نتایج مطالعه « بنیان‌های جامعه‌شناختی سند ملی آموزش و پرورش نیز به اطلاع محققان در حوزه ساحت‌ها و زیر نا مها رسیده است. (لطف آبادی، ۱۳۹۰).

۳- ملاحظه واقع‌گرایانه ظرفیت‌های موجود و محدودیت‌های نظام تربیت

رسمی و عمومی

مطالعات مربوط به هر زیر نظام با نقد وضع موجود و بررسی رویکردهای جاری در هر حوزه با استفاده از نتایج مطالعات انجام یافته در کمیته مطالعاتی محیطی و کمیته مولفه‌های اصلی سند ملی آموزش و پرورش و نیز مجموعه مطالعات استانی سند ملی و فراتحلیل آن‌ها صورت گرفته است. همچنین نقد و بررسی مکرر اجزاء و بخش‌های برنامه توسط کارشناسان معرب حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و مدیران ارشد این نظام، باعث شده تا ترسیم وضع مطلوب نظام تربیت رسمی و عمومی در رهنامه، حتی الامکان با توجه به مسائل و واقعیت‌های موجود و پیش روی نظام آموزش و پرورش کشور ما صورت گیرد لذا می‌توان گفت که تدوین الگوی نظری در این مطالعات در عین معطوف بودن به وضع مطلوب با عنایت به شرایط موجود انجام یافته است. (لطف آبادی، ۱۳۹۰).

۴- بهره‌مندی از تجربیات موفق سایر نظام‌های آموزشی در چارچوب نظام

معیار اسلامی

بخش مهمی از مطالعات ناظر به ساحت‌ها و زیر نظام‌ها، بررسی تطبیقی تجارب کشورها و نمونه‌های موفق در عرصه بین الملل البته با توجه به سازگاری آن‌ها با نظام معیار اسلامی و تناسب با شرایط بومی بوده است لذا تدوین هر الگوی مدون از سویی با توجه به مسائل بومی و

از یک سو ناظر به تجربیات موفق، معتبر و منطبق با نظام معیار اسلامی در عرصه بین الملل بوده است. (رفیعی، ۱۳۹۱).

۵- نقش آفرینی مؤثر دولت (با دیگر ارکان تربیت خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی)

بر اساس مبانی بیان شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ارکان تربیت عبارتند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی. البته در راستای مبانی سیاسی و حقوقی پیش گفته و تقدم جنبه اجتماعی تربیت رسمی و عمومی بر جنبه فردی آن، دولت اسلامی (به لحاظ رسالت زمینه سازی جهت تحقق حیات طیبه و هدایت فرد و جامعه در ساماندهی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات نام تربیت رسمی و عمومی نقش محوری و اساسی تری بر عهده دارد. لذا دولت اسلامی به دلیل داشتن همین نقش محوری باید علاوه بر سیاست گذاری و نظارت، شرایط و لوازم تحقق در حد مقبول و مناسب با ویژگی‌های تربیت رسمی و عمومی را به طور عادلانه برای همه مخاطبان این نوع تربیت تأمین کند. اما این گونه نقش آفرینی دولت اسلامی نباید به بی توجهی به نقش فعال دیگر ارکان تربیت در فرایند تربیت رسمی و عمومی منجر شود. لذا علاوه بر نقش اساسی دولت اسلامی در جهت دهی نظام تربیت رسمی و عمومی، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های دیگر حق و تکلیف دارند که به شکل موثر و هماهنگ در فعالیتهای این نظام مشارکت جویند. (مهرمحمدی، ۱۳۹۲).

۶- تربیت فردی و اجتماعی

نظر به اینکه هر انسانی دارای حق و حقوقی است و از طرف دیگر نیز تکالیفی بر عهده دارد که در قالب حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی پذیرفته شده است حق بر تربیت نیز دو جنبه فردی و اجتماعی دارد تربیت فردی به عهده خانواده و تربیت اجتماعی افراد به عهده نظام آموزش و پرورش و سازمانها و نهادهای غیر دولتی است. در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر را بر عهده دارد. ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت باید

با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. مراحل تربیت در تربیت رسمی و عمومی به چهار مرحله زیر تقسیم شده است؛ مرحله اول تربیت شامل دوره پیش دبستانی، آمادگی و سال‌های اول و دوم دبستان است. مرحله دوم شامل سال‌های سوم، چهارم و پنجم نظام فعلی دوره ابتدایی است. مرحله سوم معادل سال‌های اول، دوم و سوم راهنمایی فعلی است مرحله چهارم شامل ده، یازده، دوازده دوره متوسطه نظام فعلی است. (فرهی، ۱۳۸۶).

۷- تربیت یکپارچه

از تعاریف خیلی خوب که در اسناد آموزش و پرورش آمده است، تعریف تربیت، به عنوان فرآیندی یکپارچه و نگاهی فرهنگی تربیتی به فرآیندهای آموزش پرورش است. چنانکه به جای استفاده از لفظ عدالت آموزشی نیز، از عدالت تربیتی استفاده شده است. اما جریان این نگاه هنگامی که سند تحول به بیان راهکارها می‌رسد، دیگر قطع شده و ادامه می‌یابد. آنچه که در راهکارهای گسترش و تامین عدالت تربیتی آمده است، معطوف به تدریس و آموزش بوده و از مباحث عدالت در فرصتهای پرورش و تربیت و یا دسترسی به فرصتها و کیفیت پرورش غافل بوده است. به عنوان مثال تجویز آموزش از راه دور و مجازی برای استقرار عدالت، در نگاه خوش بینانه اگر بتواند عدالت در آموزش را تامین کند، مطمئناً عدالت در پرورش را تامین نخواهد کرد. غفلت از تربیت اجتماعی و سیاسی و روابط میان معلم و شاگرد و درک محضر معلم از جمله مواردی است که دیگر آموزش مجازی پاسخگوی آنها برای دانش آموزان مناطق دور افتاده نخواهد بود. (صادق زاده و همکاران، ۱۳۸۷)

بخش دوم: نقاط قوت سیاست‌های آموزشی کشور ایران براساس سند تحول بنیادین

- هماهنگی و همسویی عوامل اجتماعی متعدد تربیت

برای رسیدن به هدف تربیتی نیازمند هماهنگی و همسویی بخش‌های متعدد تربیت هستیم "بی شک، مشارکت جویی یک اصل مهم و حاکم بر روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی با دیگر بخش‌های جامعه است. یکی از مصادیق این اصل هماهنگی نظام تربیت رسمی و عمومی با نهادهای متولی فرهنگ عمومی نصیر رسانه و مساجد در فرآیند اصلاح اجتماعی برای ایجاد هماهنگی و هم‌سوتی میان عوامل متعدد سهیم در تربیت رسمی و عمومی، عموم افراد جامعه باید هم‌غایت، هدف کلی و اهداف مشترکی برای انواع تربیت عمومی - اعم از رسمی و غیر رسمی - تعیین شود و هم با تقسیم کار و وظایف میان عوامل سهیم، زمینه هم‌افزایی و تعامل سازنده بین آنها فراهم شود در این میان باید به‌طور ویژه در سطح ملی نوعی تعامل، هماهنگی و تقسیم وظایف با نهادهای ذیل به عمل. خانواده. نظام آموزش عالی • رسانه ملی و سایر شبکه‌های ارتباطی ملی. حوزه‌های علمیه • نهادهای تبلیغات دینی مساجد و مؤسسات مذهبی، سازمان تبلیغات اسلامی و...)

نهادهای تربیت غیر رسمی (مطبوعات، هنرهای نمایشی و مراکز فرهنگی): نظام آموزش فنی و حرفه‌ای (وزارت کار و امور اجتماعی، فر...).

در فصل هفتم سند تحول که به چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌پردازد در بند برنامه ریزی و نظام اجرایی نوشته شده است:

د- تمام دستگاهها و نهادها، به ویژه رسانه ملی، موظفند در چارچوب این سند، همکاری لازم با نام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را برای تحقق اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش معمول دارند. گزارش نحوه و میزان همکاری دستگاه‌ها به صورت سالانه توسط وزیر آموزش و پرورش به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه خواهد شد. (لطف آبادی، ۱۳۹۰).

دخیل نمودن نقش رسانه‌های اجتماعی در تربیت رسمی و غیر رسمی

ویژگی اساسی رسانه‌ها جذابیت هنری آنهاست و استفاده از انواع جذابیت‌های هنری برای مخاطبان روز به روز عرصه را بر دیگر عوامل سهمیم در تربیت به خصوص نهادهای تربیت رسمی و نهادهای سنتی تربیت نظیر خانواده و مسجد) تنگ تر می‌نماید. امروزه نقش و جایگاه رسانه‌ها در تمامی جوامع افزایش یافته است و به دلیل گستره و حوزه پوشش وسیع این رسانه‌ها در داخل و خارج از کشورها و جذابیت و مقبولیت آنها در بین مردم، امروزه تلاش دولت‌ها در این راستا قرار گرفته است که از این رسانه‌ها در جهت تحقق اهداف تربیتی خویش استفاده کند. از آنجائی که استفاده متریبان و مریبان از رسانه‌های ملی (نظیر صدا و سیما همچنان بیشتر از فناوری‌های جدید (مانند شبکه تارنمای جهانی است. بنابر این نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت بهره‌مندی از ظرفیت تربیتی رسانه می‌تواند و باید با سفارش ساخت برنامه‌های تربیتی متنوع و مفید به رسانه ملی و یا با طراحی سایت‌های مناسب، در جهت ارتقای سطح تربیتی مخاطبان خود اصولاً در عصر حاضر رساند یکی از عوامل قدرتمند و تأثیر گذار بر جریان‌های اجتماعی است. به طریق اولی این نهاد عظیم اجتماعی بر فرایند تربیت و تربیت رسمی و عمومی اثرگذار است. سیاست‌های حاکم بر نهاد تربیت رسمی و عمومی باید به گونه‌ای باشد که از ظرفیت‌های نهاد رسانه ملی در توسعه و تقویت تجارب تربیتی بهره‌گرفته شود. اگرچه هم‌سویی سیاست‌های کلان این دو نهاد فراتر از توان تصمیم‌گیری و نفوذ سیاست‌گذاران دو نهاد است اما در مجموع رسانه ملی ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه و بهبود کمی و کیفی تربیت رسمی و عمومی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. به علاوه رسانه ملی به مثابه مهم‌ترین عامل تربیت عمومی غیررسمی در جوامع معاصر، باید با تربیت رسمی و عمومی هماهنگ باشد و بین این دو نهاد تربیتی نوعی تقسیم کار و وظایف صورت پذیرد. در فصل ششم سند تحول در راهبردهای کلان بند ۸ می‌نویسد: «تعامل اثر بخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط به ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی (هدفهای کلان ۱، ۲، ۴ و ۷) (کریمی، ۱۳۹۲)

- ایجاد تسهیلات قانونی و ساز و کارهای تشویقی و انگیزشی لازم اعم از مادی و معنوی، برای بسط فرهنگ نیکوکاری و تعاون، مشارکت‌پذیری و مشارکت‌جویی در جامعه و در بین

دانش آموزان با الهام از آموزه‌های دینی با تاکید بر استفاده مناسب از ظرفیت کتاب‌های درسی، مجلات و رسانه‌های آموزشی و برگزاری اردوهای جهادی. که به دنبال "جلب مشارکت ارکان سهیم و موثر و بخش عمومی و غیر دولتی در تعلیم و تربیت رسمی عمومی - برنامه ریزی و به کارگیری امکانات و فرصت‌های اجتماعی برای اعتلای فرهنگ عمومی در تکریم و پاسداشت مقام معلم با تاکید بر استفاده از ظرفیت رسانه ملی که هدف آن "ارتقاء منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تاکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم (کریمی، ۱۳۹۲).

بخش سوم: نقاط ضعف سیاستگذاری آموزشی کشور ایران براساس سند تحول بنیادین

بی توجهی به اجرای زیر نظامهای سند تحول و باقی ماندن در مرحله برنامه

متأسفانه بعد از تصویب سند تحول بجای آنکه ارزش وجود چنین سندی برای افکار عمومی تبیین و تشریح گردد، و نقش و اهمیت آن در شکل دادن به برنامه‌های تحولی مورد توجه قرار گیرد، بیشتر بر پیامدهای ناشی از برنامه‌هایی که هنوز تدوین نشده بود متمرکز شد. تمرکز شدید بر پیامدهای پیش بینی شده ناشی از زیر نظام‌ها در حال تدوین با شکل نگرفته، سبب مغفول ماندن ارزش ذاتی سند تحول گردید. تقاضای تحول‌های اساسی در آموزش و پرورش ریشه در آرمان‌خواهی و تحول‌خواهی انقلابی جامعه و نظام اسلامی ما دارد، و به یک فرد یا گروه معینی باز نمی‌گردد. به همین جهت وقتی داشتند یک سند ملی در سال ۱۳۸۲، به یک ایده در دولت اصلاحات تبدیل می‌شود، به دنبال فرصتی در سال ۱۳۹۰، در دولت دهم تحقق عینی می‌یابد، و به همین ضرورت برنامه‌های اجرایی سند نیز، محتمل است در دولت یازدهم استمرار یابد.

سند تحول، سند زاینده‌ای است که قرار است فرزند تنومند به نظام آموزش و پرورش هدیه دهد، تا هریک تحولی عظیم را در ساحت آموزش و پرورش بوجود آورند. تنها هدیه آن، با نام «برنامه ملی در سی‌هفت روز در مرحله نوزادی است. انتظام رتبه‌بندی، در مرحله جنینی است و چهار زیر نظام دیگر نیز هنوز سرنوشتی نامعلوم دارند. این ۶ زیر نظام وقتی متولد شده و

به دوره بلوغ خویش نزدیک شوند، محتمل است قادر باشند تحولی عظیم در آموزش و پرورش را رقم بزنند. (رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیتی رسمی عمومی، ۱۳۸۸).

دید غیر واقع‌گرایانه به عدالت تربیتی

میان عدالت و همه‌جانبه‌نگری، رابطه‌ای وثیق وجود دارد. "کل‌نگری" آنچه‌ان که در تعریف عدالت آمده است: "اعطاء کل ذی حق حقه" پیش‌نیاز اساسی در برقراری و استقرار عدالت در هر نظامی است چرا که در احصاء روابط یک سیستم و قضاوت در مورد کیفیت این روابط، هر گونه جزء‌نگری و فراغت از فراسیستم‌ها و یا سیستم‌های هم‌ارز با یک سیستم، خواسته یا ناخواسته، لاجرم ما را به دامن ظلم خواهد کشاند. چه بسا در یک زیرمجموعه به خیال خود عدالتی را برقرار کرده باشیم، در حالی که با نگاهی کلان‌تر، آن عمل ظلمی را در حق دیگر سیستم‌ها روا دارد. (علم‌الهدی، ۱۳۸۸)

اگر نظام آموزشی را به صورت یک سیستم که دارای ورودی، خروجی و فرآیندی است که در زمینه‌ای به عنوان محیط فعالیت می‌کند ببینیم، در برقراری عدالت باید نگاهی کلان‌به‌همه این اجزاء وجود داشته باشد. باید در نظر داشت که "ورودی"ها به نظام آموزشی، اعم از دانش آموز، معلم، منابع مالی و دیگر منابع، بر اساس عدالت گزینش شده باشند؛ "فرآیندهای برنامه‌درسی، مدیریت آموزشی، ارزشیابی تحصیلی عادلانه بوده و همچنین اصل رعایت عدالت را در رابطه نظام آموزشی با محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نظر داشت.

اما آنچه‌ان که در سند تحول راهبردی آمده است، عدالت بدین معنا مورد نظر نبوده است و مفهومی یک‌بعدی و در نگاه خوش‌بینانه غیرجامع از آن استنباط می‌شود. سند تحول راهبردی، اصلاً موضع خود را در این باره مشخص نکرده و با اینکه در پژوهش‌چالش‌های کلان‌نظام تربیت رسمی و عمومی، به اعتدال در فرآیند، نگاه‌گذرای داشتند، آنجا که به عرصه بیان راهکارها رسیده است، "فرآیند" و انتخاب "ورودی"های نظام آموزشی، مفروغ عنه انگاشته شده‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵).

نگاه خوش بینانه در بیان راهکارهای تربیتی

از جمله تفاوت‌های موجود در نگاه‌های مختلف به راهکارهای تربیتی، بدبینانه بودن یا خوش بینانه بودن نگاه کلی هر مکتب به روابط کلان موجود در جامعه است. چنان که عدالت مارکسیستی در بدبینانه‌ترین حالت، به تئوری تضاد رسیده است و از جنگ و نزاعی دائمی میان طبقات یاد می‌کند و عدالت در نگاه لیبرال، یا مورد غفلت واقع شده و با نگاهی خوش بینانه و ساده‌انگارانه به آن دارد. در احصاء روابط میان نظام آموزشی و محیط آن، باید نگاهی واقع بینانه داشت. نه می‌شود از وجود مستکبرین فرصت طلبی که کینه و بغض مستضعفین را به دل دارند غفلت کرد و به دست پنهان اقتصاد در آموزش دل خوش کرد و نه می‌توان خود را گرفتار و اسیر توهمات جبر طبقاتی و جامعه‌شناختی کرد. اما به نظر می‌رسد آنچه که در قسمت راهکارهای گسترش و تامین عدالت آمده است، ناشی از نگاهی "رالز" گونه و فارغ از نگاه اسلام ناب به راهکارهای عدالت گونه بوده است. اطلاق نگاه کمی به بحث فراگیری پوشش تحصیلی و مفهومی چون آموزش برای همه و همچنین تفکیک آن از نگاه کیفی با فرض ملاحظه تفاوت‌ها، در قسمت "بیانیه ارزش‌ها" این ساده‌انگاری و فارغ بودن از واقع بینی را بیشتر به ذهن متبادر می‌کند (پیروزمند، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

تحقق اهداف نظام آموزشی نیازمند برنامه و ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز یک برنامه جامع برای مشخص کردن مسیر و هدف‌های مهم جمهوری اسلامی ایران است که همه حوزه‌ها را در بر می‌گیرد. اصلی‌ترین عرصه‌های فعالیت این الگو با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری، چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت است که می‌توان بر این اساس کلیه سیاست‌گذاری‌ها، افق‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان مملکتی را تنظیم کرد. در این رهگذر می‌توان با راهبردهایی همچون اصلاح نظام آموزشی کشور، طراحی نظام تعمیق معرفت دینی جامعه و ایجاد نظام تولید و انتشار دانش و با توجه به اسناد فرادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به تبیین

الگوی پیشرفت پرداخت. با توجه به این که نظام آموزشی یکی از مهم ترین حوزه ها در چهار عرصه فوق است تدوین سند راهبردی دقیق، یکپارچه و جامع، بخش مهمی از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مشخص می‌سازد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر محتوا، سطح و حوزه مطالعاتی از جامعیت لازم برخوردار است اما چارچوب مفهومی آن دچار نقص‌های قابل توجهی است، بنابراین ابتدا با استفاده از چارچوب نظری این سند، سیاست‌های آموزش و پرورش احصا و سپس به نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شد. نتایج نشان داد که سیاست‌های آموزش و پرورش براساس این سند شامل تکیه بر آموزه‌های بنیادی اسلام و سازگاری با آنها، استفاده از آخرین یافته‌های علمی، ملاحظه واقع‌گرایانه ظرفیت‌های موجود، بهره‌مندی از تجارب کشورهای موفق، نقش آفرینی دولت و ملت در آموزش، تربیت فردی و اجتماعی، تربیت یکپارچه است. نقاط قوت طرح شامل هماهنگی و همسویی عوامل متعدد تربیت، دخیل نمودن نقشه رسانه‌ها در تربیت است و نقاط ضعف این طرح، شامل آرمانگرایی و آرمان خواهی انقلابی، دید غیرواقع‌گرایانه به عدالت تربیتی، نگاه خوش بینانه در بیان راهکارهای تربیتی است.

۱- منابع

- ۲- فرهی، رضا (۱۳۹۳). نگرشی به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش: تهران، نشر پژوه.
- ۳- آقایی، بهمن (۱۳۸۶). فرهنگ حقوق بشر، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۴- کریمی، احمد (۱۳۹۲). توسعه در سند تحول بنیادین، مجله پژوهش‌های آموزش و پرورش، شماره ۱۱۰.
- ۵- لطف آبادی، حسین (۱۳۹۰). تدوین بنیان‌های روان‌شناختی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- ۶- رفیعی، محمد (۱۳۹۱). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، تهران: انتشارات سمت.

- ۷- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). الگوی نظری زیر نظام برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش، جمهوری اسلامی ایران، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- ۸- صادق زاده، علیرضا (۱۳۸۷). الگوی نظری تربیت دینی و اخلاقی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- ۹- رهنامه ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). تهران، دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.